

# سوره مبارکه طور

استاد اخوت

مدرسه دانشجویی قران و عترت پاییز ۱۴۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

فایلی که در اختیار دوستان قرار گرفته شده است پیاده شده جلسات سوره مبارکه طور می باشد که توسط استاد اخوت روزهای چهارشنبه هر هفته ساعت ۱۸ در محیط اسکای روم به صورت مجازی برگزار می شود. فایل های پیاده شده حاوی همه مطالب نمی باشند ولی سعی بر آن است که تا حد امکان مطالبی که در کلاس مطرح می شوند ثبت شوند. لطفا در صورت مشاهده نواقصی در متن پیاده شده به شناسه زیر در پیام رسان بله یا واتساپ یا از طریق ایمیل پیام دهید. و همچنین جهت دریافت اطلاعاتی های این جلسات و دریافت فایل صوتی آن به آدرس زیر در پیام رسان بله مراجعه بفرمایید.

<https://wa.me/message/JLWUBK3I3TXRA1>

Bale: [ble.ir/r\\_doosti](https://ble.ir/r_doosti)

Gmail: [raheledoosti@gmail.com](mailto:raheledoosti@gmail.com)

آدرس کانالهایی که محتوای جلسات در آنها قرار داده می شود:

<https://ble.ir/heyatquranetrat>

[https://ble.ir/ololelm\\_ir](https://ble.ir/ololelm_ir)

- جلسه اول ۱۴۰۰/۰۹/۱۷ ..... ۳
- نکاتی در ارتباط با قسم‌های سور ذاریات، طور و نجم ..... ۳
- آنچه از سوره ذاریات دریافت کردیم: ..... ۴
- مفاتیح السماء ..... ۵
- مرور کلی آیات سوره مبارکه طور ..... ۶
- خلاصه مطالب ..... ۱۲
- ثواب سوره مبارکه طور ..... ۱۳
- پرسش و پاسخ ..... ۱۳

- تبریک میلاد حضرت زینب سلام الله علیها
- انشالله سوره مبارکه طور وساطت کند در ارتباط بیشتر ما با اهل بیت به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

### نکاتی در ارتباط با قسم‌های سور ذاریات، طور و نجم

قبل از خواندن سوره طور لازم است نکاتی در مورد سوره ذاریات و ارتباط آن با سوره‌های نجم و طور مطرح شود:

بحث سوره ذاریات همانطور که می‌دانید یک ترتیبی دارد که ذاریات و طور و نجم با هم هستند. و سوره نجم از عزائم است و سجده واجب دارد. این سه سوره با **واو قسم** آغاز می‌شوند. سوره‌های واو قسم سه دسته می‌شوند.

یک دسته شبیه به سوره ذاریات هستند و یک دسته شبیه سوره طور و دسته سوم شبیه سوره نجم هستند.

- قسم‌های **سوره ذاریات** فاعلاتی است. اسم‌های قسم **اسم فاعل** هستند. که پنج سوره به این شکل است: صفات، مرسلات، نازعات، ذاریات و عادیات. به این پنج سوره بجز سوره عادیات **سور ملائکه** گویند و سوره عادیات سوره مردان الهی است. سوره مردان جهاد است. چهار بعلاوه یکی ایجاد می‌کنند که خیلی معنا دار هستند و نشان می‌دهد که کارکرد مردان الهی شبیه ملائکه می‌شود.

- در **سوره طور** قسم‌ها **اسم محل** است یا **شیء** می‌آید. سوره‌هایی مثل شمس و لیل اینها سوره‌هایی هستند که شبیه سوره طور هستند. قسم‌های پی‌درپی‌ای از یکسری از اشیاء هستند.

- در **سوره نجم** قسم‌ها به شکل اسم‌های پی‌درپی نیستند و فقط اسم یک شیء هستند مثل سوره عصر

این سه سوره نماینده‌های سوره‌های با **واو قسم** هستند. مهم است که سوره‌ها را **دسته‌بندی** کنیم. مخصوصا دوستانی که می‌خواهند حج بروند یا مشاهد مشرفه خوب است سوره‌هایی با واو قسم مثل ذاریات بخوانند و در طواف بعدی سوره‌هایی با واو قسم شبیه طور بخوانند یا در طواف‌های مستحبی می‌توانید سوره نجم و مشابه‌های آنرا بخوانید (به دلیل داشتن سجده واجب در طواف واجب نمی‌توان خواند).

این سوره‌ها **منظومه‌های منظم مفهومی** درست می‌کنند در سوره‌های دیگر هم وارد می‌شوند. سوره ذاریات در بین صفات و عادیات و ... یک منظومه را ایجاد می‌کند و در این سوره‌ها (سه تایی ذاریات و نجم و طور) منظومه دیگری شکل می‌گیرد.

خیلی خوب است که افرادی که اهل پژوهش هستند این موارد را بدانند. بدانند که مثلا سوره نجم یک سرسلسله‌ای است که ذیل آن سوره‌هایی هستند که می‌توان آنها را با هم خواند.

ضرورت این مسئله وقتی مشخص می‌شود که فرد بخواهد به صورت منظومه‌ای سوره‌ها را مطالعه کند و این موضوع را در تدبر مکی که از کتاب‌های دوره تخصصی است مطرح می‌شود و این سه سوره خودشان خیلی مهم هستند و طرح درس مجزایی دارد که می‌تواند از مطالعه منظومه‌ای آنها می‌توان موضوعات مشترکی بدست آورد و این خودش خیلی عالی و پرمغز است. در جاهای مختلفی که بخواهید یک دسته سوره را انتخاب کنید و تدبر و تامل کنید این سوره‌های خیلی می‌تواند کمک کند.



آنچه از سوره ذاریات دریافت کردیم:

سوره ذاریات مفهومی را در ذهن ما قرار داد از یکسری قسم‌هایی که بحث **دین و وعده** را در نسبتی با **رزق و طعام** مطرح کرد و انسان‌های متقین را به عنوان انسان‌های **محسن** معرفی کرد. انسان‌های ناهنجارش هم کسانی شدند که **خراص** هستند.

از این سوره بایستی می‌فهمیدیم که رزق ما یک عاملیتی دارد که بحث آسمان است و **مقدرات رزق** را بایستی از آسمان خودمان جلب می‌کردیم و بایستی کاری نمی‌کردیم که رزق مان بد شود، تنگ شود، کم شود و باید در راستای **وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ** عمل می‌کردیم.



با این زاد و توشه وارد سوره طور می‌شویم یعنی حواسمان باشد که ما همانی هستیم که دنبال رزق و طعام بودیم و رزقمان نباست از آسمان بیاید و همانی هستیم که قرار است که از **مستغفرین** شب‌ها باشیم، ویژگی **متقین** را داریم که اهل احسان باشیم و فقط به فکر خود نباشیم و به دیگران هم فکر کنیم.

با این زاد و راحله وارد سوره مبارکه طور می شویم. ما دیندار شده‌ایم و وعده‌ها را باور داریم و می‌دانیم برای رزق و طعام باید از آسمان بخواهیم و با ملائکه مرتبط شویم.

کلی سوال داریم که حالا چه کنیم؟

این مطالب را در ذهن بیاورید و با داشته‌های سوره مبارکه ذاریات وارد سوره طور می‌شویم. چه کنیم که نظر ملائکه جلب شود؟ حال بدی‌های ما چیست؟ احساس‌های منفی خودمان را از بین ببریم، حسن ظن خود را باید زیاد کنیم، با سوال‌های خود از سوره مبارکه ذاریات و البته پاسخ‌هایی که داد وارد بحث سوره طور می‌شویم.

### مفاتیح السماء

این سه سوره خیلی همگن هستند و سوره‌های خیلی مهمی هستند و برای پاسخ به سوال‌های خود باید بین این سه سوره طواف کرد. در رفت و آمد بین این سوره‌ها شما حقایق زیادی را می‌توانید جلب کنید و برای خود و دیگران جاری کنید.

اسم این سه سوره در واقع مفاتیح السماء هستند و قفل‌های زیادی را برای انسان باز می‌کنند، اینها **مفاتیح السماء** هستند و رفاقت با این سوره‌ها انسان‌ها را به مراتب بالایی از سیر و سلوک می‌رسانند. فقط بحث رزق مادی نیست. اینکه انسان خدا داشته باشد و اهل بیت را داشته باشد، داشتن حس و حیات، عواطف و... رزق‌های خیلی مهمی هستند. این سه سوره راه آسمان را باز می‌کند و در یک رفاقتی با هم راه آسمان را باز می‌کنند. اینها گمشده بشر امروز است که خدافهمی و معنویت و دوست داشتن و دوست داشته شدن را داشته باشد. حتما به این رفاقت با سوره‌ها توجه داشته باشید.

## مرور کلی آیات سوره مبارکه طور

این سوره سوره خیلی عجیبی است و در مرحله اول انسان را به یاد **حج** می‌رساند. حال و هوای سوره مربوط به جایی است که **محل وحی** است و گویی در آنجا آسمان باز شده است و رزقی خیلی عجیب برای انسان آمده است و انسان را به **حیات خاصی** دعوت می‌کند و محلی است که انسان تولد جدیدی پیدا می‌کند. فکر کنید بلا تشبیه زایشگاهی است برای انسان متعالی، **محل تولد** است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ الطُّورِ (۱)

طور همان جایی است که میقات حضرت موسی بوده است، کوهی بوده است که در آن کوه وحی نصیب حضرت موسی شده است و منتخبین بنی اسرائیل را آنجا می‌برده است و آنها را به یک **حیات و حیانی** دعوت کرده است و وحی خدا را رویت کرده‌اند و حیات و حیانی نصیب‌شان شده است. این عظمت کوه را خیلی بالا می‌برد و محل میقات و ملاقات خداست.

وَ كِتَابٍ مَّسْطُورٍ (۲)

رزق این محل از جنس وحی است و جنسش نزول از کتابی است که سطر می‌شود و حقایقش قابل رویت می‌شود و به دلیل سطر شدنش قابل تحقق و مشاهده و شنیدن می‌شود.

فِي رَقٍّ مَّنشُورٍ (۳)

اینطور نیست که فقط به شخص خاصی اختصاص داشته باشد در صفحه‌ای گسترده است و دلالت دارد بر عمومیت آن. آنرا مربوط به شخص خاصی قرار نداده است. درست است که شخص خاص آنرا جلب کرد ولی مخصوص خودش نبود و رق او **منشور** شد و نشر داد.

وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (۴)

کارکردش این است که بیت را **عمران** دهد و بیت را احیاء کند.

وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ (۵)

وظیفه‌اش این بود که سقف را **رفعت** دهد و به اوج برساند. نشان‌دهنده این است که موجود بتواند بالا برود. سقف را مرفوع می‌گیرند که بتواند رفعت پیدا کند.

وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (۶)

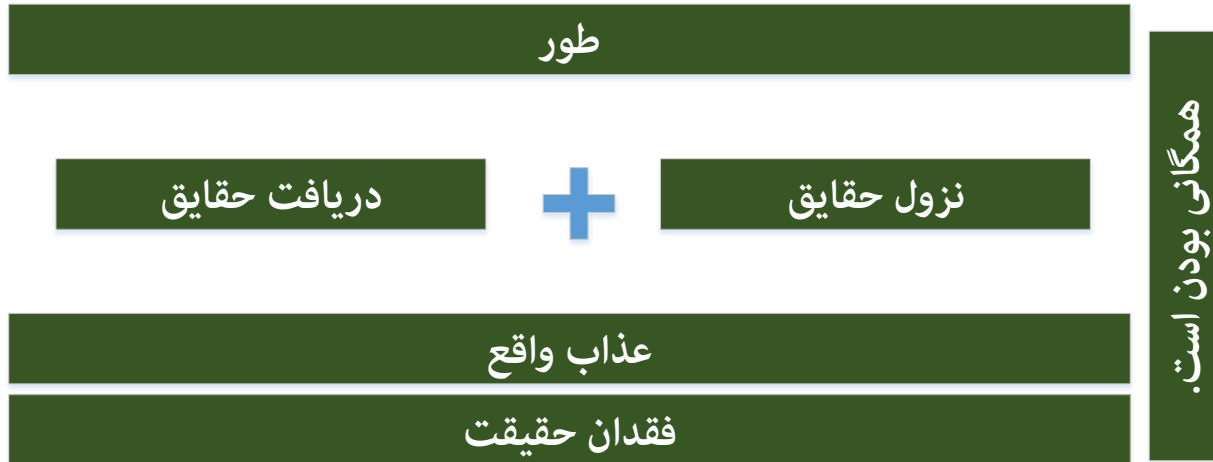
همچنین جریان حقایق را به صورت مملو جاری کند.

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ (۷)

دلیل اینکه حق آمد و جایگیر شد و اثر داشت و انسان را بالا برد و بیت را معمور کرد، به دلیل این است که بی‌بهرگی از آن عذاب دارد. آن چیزی که اثر دارد نبودش عذاب دارد و این منطق سوره است. اگر به انسان عقل دادند ولی آنرا به کار نگیرد دچار عذاب می‌شود. اتفاقاً عذاب به خاطر یک امر وجودی ایجاد می‌شود. عذاب وقتی فهمیده می‌شود که می‌تواند ارتفاع پیدا کند و ارتفاع پیدا نکرد.

عذاب در اثر دو امر بوجود می‌آید یکی بخاطر نزول حقایق و یکی هم ساختار انسان است که می‌تواند این حقایق را دریافت کند.

این دو وقتی با هم جمع می‌شوند، عذاب واقع می‌شود. یا بایستگی دریافت حقایق اثر داشته باشد یا نداشته باشد. اگر نداشته باشد که بی‌خاصیت است و اگر داشته باشد آن کسی که آن را ندارد عذاب است. عذاب فقدان حقیقت می‌شود. نزول حقایق همگانی است و اگر همگانی نبود عذاب معنا نداشت. برخی دین را فقط برای خودشان می‌خواهند و این چیزی است که باید به همه برسد.



می‌خواهیم یک برداشت کلی از سوره داشته باشیم.

مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ (۸) يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرَأً (۹) وَ تَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا (۱۰)

این عذاب تا زمانی که پرده‌ها کنار نرود و حقیقت طور را نفهمد عذاب را ادارک نمی‌کند.

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۱)



کار کتاب این است که می‌تواند این حقایق را زودتر از موعد کشف کند و بگوید و وقتی این آیه را به ما گفت باید آن حقیقت را زودتر کشف کنیم.

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ (۱۲)

مشکل سر قرار گرفتن در **خوض** است. خوضی که منجر به یلعبون شده است. یا یلعبونی که خوض را تشکیل داده است که بعدا در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارٍ جَهَنَّمَ دَعَاً (۱۳) هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكذَّبُونَ (۱۴)

در این سوره نکته‌ای را می‌گویید که شبیه‌اش را در سوره ق مطرح کرده است. وقتی انسان از دنیا می‌رود پرده‌ها برای او کنار می‌رود و می‌گویند این همان آتشی است که می‌گفتید وجود ندارد. این به این معناست که همه افراد اهل تکذیب و کتمان در یک روزی مفهوم آتش را حس می‌کنند، ادراک می‌کنند و از این جهت که ادراک می‌کنند عذاب بر آنها واقع می‌شود. علتش این است که عذاب از جنس علم است اما علم به نبود چیزی.

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ (۱۵)

این آتش سحر است؟ معلوم است که با دیدن آیات و کتاب آنرا سحر می‌دانستند.

أَصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۶)

این آیه خیلی عجیب است. وارد آن آتششان کنید. چه بگویید صبر کنند یا نکنند برای شما مساوی است چون **جزا وفق** عمل است. جزا زانده بر عمل نیست که بتوان آنرا برداشت. جزا طبق عمل است و وفق عمل است نه قراردادی که بر اساس عمل جزا باشد. کانه خود عمل جزاست.

این عمل تبدیل به عذاب شده است یعنی صورت دیگر این عمل جزاء بوده است. کسی بداخلاقی می‌کند چهره آن را بر می‌دارند. خود آن عمل چهره‌ای دارد که هیچ کاریش نمی‌توان کرد. این طعنه زدن نیست بلکه وضع عذاب تکوینی عمل است که چنین است. خود عمل عذاب بوده است. دنیا وضعش این است که به طور طبیعی علم گسترده می‌شود حقایق واضح می‌شود. آیه ۷ تا ۱۶ کانه جواب قسم است که می‌خواهد بگوید این تکوینی عمل است و اینگونه نیست که جعل کرده باشند.

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ (۱۷)

یکی از تفاوت‌های سوره ذاریات با این سوره همین آیه است که تعبیر متفاوتی دارد که بعدا باید دلیل این تفاوت تعبیرها را

ببینیم

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمُ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمُ عَذَابَ الْجَحِيمِ (۱۸)

متقین هم به نسبت عذاب تعریف می‌شود. پاداششان این است که عذاب جحیم حفظ می‌شوند.

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۹)

مُتَكِينِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ (۲۰)

سوره‌هایی که ترویج حور العین را دارند خیلی زیاد نیستند. این سوره‌ها نشانه‌های خاصی دارند. فعلا در ذهن داشته باشیم تا بعدا ببینیم چه پیام‌هایی را می‌تواند به ما بدهد.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ (۲۱)

دو تا قانون را در این آیه مطرح می‌کند که آیه ۲۱ از آیات اصلی سوره و غرض است. **قاعده الحاق و رهین بودن انسان** در این آیه مطرح می‌شود. این آیه جمله معترضه است و یک مرتبه بین آیات قرار گرفته است و گویی می‌توان از آیه ۲۰ به ۲۲ رفت و در سیاق آیه ۲۰ آیه ۲۲ است و جمله‌هایی که در مثل جمله ۲۱ در وسط آیات جاگیر می‌شوند تاکید هستند و این جمله غرر و پیشانی سوره طور می‌شود.

وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ (۲۲) يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ (۲۳)

بهشتی که در اینجا ترسیم می‌شود در حال گرفتن جام‌هایی هستند. یک حرکت اجتماعی و حیات اجتماعی در آن است و حیاتش فردی نیست و خمیرمایه آن حیات نه لغو است و نه تأییم. ثمره عملش در دنیا این است که نه لغو داشته نه اثم. نه تاخیر داشته و نه بی تفاوت بوده است و در آنجا هم با همین حال ارتزاق می‌کند.

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ (۲۴) وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ (۲۵) قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ (۲۶)

یاد کارهای خوب و دلسوزی‌هایشان می‌افتند و یاد اینکه اهل مراعات بوده‌اند و این اهل مراعات بودن را فقط برای خودشان نمی‌خواستند و جریان‌هایی را که ایجاد کردند.

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ (۲۷)

اینجا هم بحث عذاب مطرح شد. وقتی یک مطلبی تکرار شده است در حال توضیح یک مطلب واحد است.

عبارت‌هایی که مثل این آیه هست اگر کسی حواسش از عذاب پرت شده است حواسش را جمع می‌کند و به همان آیه ۷ می‌برد که این موضوع اصلی است.

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ (۲۸)

این آیه جواب آیه ۵۶ سوره ذاریات است. ما او را بر و رحیم یافتیم.

فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ (۲۹)

رو به پیامبر می کند. از آیه ۲۹ داستان عذاب تمام می شود و پیامبر را مامور می کند که انسان‌ها را از عذاب حفظ کند. امرهایی تا انتهای سوره به پیامبر می شود. از آیه ۲۹ تا آیات آخر پیامبر به عنوان یک نجات غریق برای دستگیری مردم از عذاب وارد می شوند. از این آیه به بعد عواملی که باعث عذاب افراد می شود یکی یکی مشخص می شود و پیامبر مامور شده است که یکی یکی دست آدم‌ها را بگیرد و از این عذاب بیرون بکشد. توجیهاتی که انسان‌ها می آوردند برای اینکه عمل عذابی داشته باشند در این آیات آمده است و این آیات خیلی نیاز به تدبر و تامل دارد و به این راحتی هم نمی توان از آنها الگو گرفت. فقط کسی می تواند چنین کاری را بکند که تمام وجودش پر از نیاز باشد.

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُّ بِهِ رَيْبَ الْمُنُونِ (۳۰)

اولین مشکل انسان **رویکرد اشتباه** به نبی گرامی و وحی است. وحی را متنی از کهنانت یا متنی پر از ابهام می دانند یا مطالب زیبایی که مربوط به شعراء است و ضروری زندگی نیست. اولین مشکل سه ایراد اصلی نسبت به وحی و پیامبر اعظم که نوع افراد ممکن است داشته باشند.

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمْتَرَبِّصِينَ (۳۱) أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاعُونَ (۳۲)

ممکن است اینها **یک نحو عقل گرایی** داشته باشند که بخواهند حقایق الهی و حقایق شرع و احکام صادره از نظام ولایی با میزان‌ها و شاخص‌های عقل بسنجند. ممکن است احتمالش این باشد که اینها **اهل طغیان** باشند و از حد گذرانده باشند.

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۳)

ممکن است وضعیتشان طوری باشد که نتوانند به حقایق اعتماد کنند. و احساس کنند پیامبر یا کتاب به جایی بند نیست و بگیر و نگیر دارد.

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (۳۴) أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ (۳۵)

ممکن است خود را آنقدر آزاد بدانند و خود را در ملک کسی ندانند که احساس کنند که خودشان آمده‌اند به دنیا و خالق ندارند و مالکیت خدا بر آنها معنایی ندارد و برخی از آنها اینگونه هستند که آنها باید مالک خیلی چیزها باشند.

أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ (۳۶)

ممکن است جواری زندگی کنند که فکر کنند هر چیزی از ناحیه آنها باشد. اینها به گزاره‌های یقینی کاری ندارند و فقط به گزاره‌های ذهنی‌شان می‌پردازند. آیه ۳۶ به آیه ۱۰ باز می‌گردد که قتل الخراصون

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصِيطِرُونَ (۳۷)

ممکن است جواری زندگی کنند که خودشان خزانه‌دار عالم هستند و هر چیزی که از ناحیه آنها صادر شود باید و نباید است. ممکن است احساس کنند که بر بخشی از عالم سیطره دارند.

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعَهُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۳۸)

گویی اینها رازدار عالم هستند و آسمانی در قرق آنهاست و آنها نردبانی مخصوص خود دارند که می‌توانند بروند حقایق را آنها بگیرند و فقط اینها می‌توانند تشخیص دهند که چه چیزی درست است و چه چیزی درست نیست.

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ (۳۹)

گاهی آنقدر با خدا خودمانی می‌شوند که فرزند پسر و نیروی کار و قدرت را از آن خود می‌دانند و خود را دست‌های اجرایی عالم می‌دانند.

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ (۴۰)

برخی خیلی بخیل هستند. از روی بخل احساس می‌کنند وقتی به سمت حقایق می‌آیند کلی بایستی خرج کنند و زکات بدهند. فکر می‌کنند خمس و زکات دادن اجر پیامبر است. نمی‌دانند که اینها پاک کردن خود فرد است. خمس را به خاطر پیامبر نمی‌دهید و برای خودت می‌دهی. احساس می‌کنند که اینها هستند که دارند برای دین هزینه می‌کنند و آنرا سخت می‌دانند.

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ (۴۱)

مثل این است که همه جهنم را و همه کسانی که مشتمل بر عذاب می‌شوند را یکجا جمع کرده است و حالت‌های مختلف را بررسی می‌کند.

برخی جواری بودند که می‌گفتند هر چی به دلم بیفتد همان است، خیر را من می‌شناسم و شما نمی‌دانید ...

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ الْمَكِيدُونَ (۴۲)

برخی هم آنقدر پیش می‌روند که می‌خواهند برای مومنین کید کنند

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۴۳)

برخی هم انگار چیزی به اسم خدای واحد نداشتند.

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ (۴۴)

کسانی که علامت‌های عذاب را هم توجیه می‌کنند که نه این خبرها نیست و سریع توجیه‌اش می‌کردند.

فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ (۴۵)

ای پیامبر آنها را رها کن. یعنی خدا هم نا امید شد از آنها به دلیل توجیهاتشان. می‌شود که انسان در زندگی خود را به توجیهاتی آزرین ببیند که اصلاً امکان تغییر نداشته باشد هر چند رسول خدا برای نجاتش آمده باشد.

این عذاب است که انسان با هیچ حرفی تغییر نکند و همان باشد.

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ (۴۶)

آن موقع دیگر فرد برایش از نصرتی خبری است و نه نقشه‌ای و تدبیری

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۴۷) وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (۴۸) وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ (۴۹)

ای پیامبر صبر کن و در مسیر ذکر و هدایت پایداری کن. آنها تا می‌توانند تو را عذاب می‌کنند. اما عذاب آنها کجا و عذاب خدا کجا. این موضوع در سوره مبارکه عنکبوت مطرح می‌شود و از مومنین می‌گوید که ایمانش شکست. می‌گوید مومنینی که ایمانشان شکست دلیلش این بود عذاب کافران را مثل عذاب خدا دانستند. یعنی اگر تو بخواهی در مسیر حق پایداری کنی ناجوانمردانه تو را له می‌کنند و این عذاب کجا و عذاب خدا کجا. اذیت و عذاب مردم در این مسیر تو را بزرگ می‌کنند به دلیل اینکه فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا که روی چشم ما قرار می‌گیری و رفعا لک ذکرک... ذکرک را بلند می‌کنیم درست است که تو را در شعب قرار می‌دهند و در جنگ‌ها وارد می‌شوی و این عذاب مردم است. انسان انتخاب کند از بین عذاب خدا و عذاب مردم یکی را انتخاب کند. سوره عنکبوت تعبیر به عذاب مردم کرده است.

### خلاصه مطالب

از سوره مبارکه طور متوجه شدیم یک مشفق که در آیه ۲۶ اشاره شد نکند همان پیامبر و بزرگان دین باشند؟ نکند که مشفق بودن یعنی اینکه نه خودت و نه دیگران در عذاب قرار بگیرد پس این مشفق بودن در این سوره خیلی مهم می‌شود و آیه ۲۷ خیلی اهمیت پیدا می‌کند و با آیه ۲۱ هم مرتبط می‌شود.

یکسری آدم‌هایی هستند بلاگردان انسان‌ها می‌شوند و عذاب گردان آنها می‌شوند و شما باید از آنها تبعیت کنید تا عذاب از شما برداشته شود.

اینها آمده‌اند که انسان‌ها را از رهن خود خارج کنند و به قاعده الحاق بهشتی را درست کنند که وقتی انسان‌ها به آنها ملحق می‌شوند از عذاب خارج شوند. در واقع اینجا بهشت و جهنمش مثل اینکه انسانی است و الحاق به انسانی که انسان کامل است بهشت است و جدا شدن از این انسان کامل که تذکر می‌دهد و صبر به حکم خدا دارد و تسبیح می‌کند او همانی است که انسان را از عذاب دور می‌کند و انسان را از عذاب حفظ می‌کند.

ثواب سوره مبارکه طور :

در حدیثی آمده که پیامبر ص فرمود:

من قرأ سورة الطور كان حقا على الله ان يؤمنه من عذابه و ان ينعمه في جنته

: هر کس سوره طور را بخواند بر خدا است که او را از عذابش ایمن سازد، و او را در بهشتش متنعم دارد «۱».

در حدیث دیگری از امام باقر ع می‌خوانیم:

من قرء سورة الطور جمع الله له خير الدنيا و الآخرة:

" کسی که سوره طور را تلاوت کند خداوند، خیر دنیا و آخرت را برای او جمع می‌کند " «۲»

یعنی عذاب دنیا را از او بر می‌دارد. عذاب دنیا یعنی ناگواری‌های دنیا را از او بر می‌دارد. سوره مبارکه طور سوره‌ای است که آمده است که ناگواری به او نرسد نه در دنیا و نه در آخرت. چون این عذاب دنیا است که در آخرت رونمایی می‌شود.

پرسش و پاسخ

✓ امّ منقطعه از اسمش معلوم است که حالت منقطع دارد و کلام را قطع می‌کند و به کلام مراتب می‌دهد یعنی ممکن است این باشد نه ممکن است آن باشد، ممکن است این باشد یا ممکن است آن باشد، ممکن است این باشد بلکه ممکن است آن باشد. سه حالت ایجاد می‌کند و در حالت سوم می‌ایستد. حال امّ منقطعه این است می‌شود این باشد می‌شود آن باشد، می‌شود این باشد یا آن باشد، می‌شود این باشد بل می‌شود آن باشد.

✓ از جایی طرح بحث می‌کند و بعد آنها را به هم متصل می‌کند. مثل این است که با کسی بحث می‌کنیم و می‌گوییم پسر نان خریدی می‌گوید بابا جان یادم رفت، یادت رفت بلکه نیازی به نان نداشتی و احساس کردی در یخچال داشتی

چون اگر نیاز واقعی داشتی یادت نمی‌رفت. می‌تواند بگوید یادم رفت ولی اهمال در نیاز داشته است. امّ منقطعه یک ابهام‌گویی است که روی توجیه و حرف تو استاد می‌کند و آنرا ارتقاء می‌دهد.

- ✓ فهم امّ منقطعه خیلی جذاب است. از محل‌های جذاب قرآن همین امّ‌های منقطعه است. سوره قلم هم این امّ‌ها را دارد.
- ✓ اینکه افراد احساس می‌کنند ما همه چیز را می‌دانیم و اگر اینها با عقل و شرع تعارض داشته باشد خیلی سخت می‌شود.
- ✓ دل باید وصل به گزاره‌های عقلی و یقینی و وظایف شرعی باشد اگر انسان چنین نکند و فقط به دلش پیش برود بیچاره می‌شود.

✓ وقتی می‌گوید باعیننا یعنی حمله‌های ناجوانمردانه‌ای علیه پیامبر شده است

✓ وظیفه ماست که از عذاب الهی فرار کنیم. یکی از وجوه سوره مبارکه طور شرح فافرو الی الله است.

- ✓ اگر کسی در این جمع دچار اضطراب است یا احیانا افسردگی و ملالمت و ... است به این سوره پناه ببرد و از این سوره امنیت و امان را درخواست کند. حتی اگر کسی بیماری‌های جسمی دارد و هر کسی در کودکی دچار تنش‌های محیطی شده است و در نوجوانی آسیب‌های جدی خورده است این سوره سوره پناه است. چه بشود که به کسی بگویند فذرهم و چه بشود که به کسی بگویند فذرهم. این سوره سوره عجیبی است برای پناه دادن.

✓ اتفاقاً مومنین اذیت‌های کفار را عذاب نمی‌دانند و ارتقاء خود می‌دانند. کفر در عالم محو نمی‌شود کفر به انسان چسبیده است و هر جا انسان‌هایی باشند که اطاعت خدا نکنند دچار کفر می‌شوند و اذیت‌هایی که از ناحیه کفار به انسان می‌شود در پیش عذاب الهی هیچی است و بلکه این اذیت‌ها ارتقاء انسان است.

✓ عذاب وابسته به فهم انسان است. هر کسی که تبعیت از هوی کرد عذاب شد.